**مصاحبه با HMKPrivateKabul120518**

**تاریخ 12 می 2018**

**مصاحبه ده دفتر شرکت (دفتر شرکت که ده محل تولید واقع بود و همه "دفتر شرکت" به همین معنی باید پذیرفته شود)**

ک: وظیفه ی شما چیست ده شرکت؟

HMKPrivateKabul120518: وظیفه ما به حیث سرکارگر یا معاون شرکت هستم.

ک: شما سهم دارید ده شرکت؟

HMKPrivateKabul120518: بله.

ک: تصمیم گیرنده ی اصلی شما هستید ده شرکت؟

HMKPrivateKabul120518: بله مه هستم.

ک: شرکت چه تعداد شاگرد یا کارگر داره؟

HMKPrivateKabul120518: برای فعلا ده حدود 40 تا 45 نفر کارگر داریم.

ک: این کارگرها دایمی هستند یا این که مقطعی استخدام میشن؟

HMKPrivateKabul120518: کارگرهای ازما [گویش هزارگی] تقریبا یک 20، 25 کارگر ما که است، دایمی کتی ما میباشه. دیگه او کارگرهای که زیاد و کم می کنیم، تعلق به کار داره دیگه که کار اضافه شد، کارگر اضافه می کنیم. نشد، همو مقدار کارگرهای ما که است، همو کارگرهای فنی ما، همو کتی ما میباشه.

ک: کارگرهای فنی ماهوار معاش می گیرند، قرارداد دارند؟

HMKPrivateKabul120518: ها ماهوار است.

ک: کارگرهای مقطعی به اساس کاری که اجرا می کنند معاش می گیرند؟

HMKPrivateKabul120518: حالی کارگرهایی است که باز ما اونها ره روزانه میتیم. مثال ده ماهی 20 روز کار میباشه، یک ماه کار می باشه، دو ماه کار میباشه، باز ما آنها ره به حساب روزانه حساب می کنیم برایشان. همین چند روزی که کار می کنه باز روزانه حساب می کنیم.

ک: تولید ده شرکت چی رقم است؟ مستقیم با دست است، یا این که شما ماشین دارید که نیمه اتوماتیک است، یا چی گونه است؟

HMKPrivateKabul120518: نی تولید به دست نیست. زیادترش ماشین ها است. ماشین های پیشرفته هم داریم و ماشین های نیمه اتومات هم داریم. ماشین هایی است که از اینها استفاده می کنیم. کار می گیریم.

ک: کارگرها ده قسمت مصرف هستند؟ ماشین ره چالان می کنند؟

HMKPrivateKabul120518: ها همی کارگرهای ما که است، همین 20، 25 نفری ره که گفتم اینها کارگرهای است که ده همی بخش ماشینری می فهمند. مثلا بخش ماشین پرس و قیچی و ماشین های خم‌کن و دیگه ماشین های است که استفاده می کنیم از پیش اینها. ده این بخش ها می فهمند. دیگه کارگرهای فنی ما که است همی 25 نفری که برایت گفتم، همینها نفرهایی هستند که نفرهای مسکلی هستند کلشان. ده بخش خرادی و چیزها کار می کنند.

ک: برای تولید کدام پلان کاری وجود داره یا به اساس سفارش تولید می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: برای فی الحال ده افغانستان یک مشکلی است که مسلسل نیس یک کار روان. حالی ما بعضی وقت اگه یک چیزی تولید می کنیم، باز ما همینجه تولید بالون گاز داریم. بالون گاز داریم بعضی وقت ببینی تقاضای بازار بسیار زیاد میباشه که ما پشتش رسیدگی نمیتانیم. حالی اینه سه ماه شد یا چهار ماه شده که ما یک بالون هم تولید نکرده ایم. بازار نیست. چرا که فروش نباشه دیگه مشتری هم تقاضا نداره زیاد. دیگه همین چیزهایی است که مطابق به همو سفارش ما جور می کنیم.

ک: بیشتر خریدارهایی هستند که شما همراهشان آشنا هستید و [قطع]

HMKPrivateKabul120518: ها. آنها نمایندگی ها دارند باز از ما میبرند و ده نمایندگی ها سودا می کنند.

ک: آنها می گویند که مثلا ما 20 بالون ضرورت داریم یا ده بالون ضرورت داریم و شما به همین اساس تولید می کنید!

HMKPrivateKabul120518: ها. به حساب همین!

ک: پیش‌تولید که ندارید که تولید کنید ده گدام باقی بانه؟

HMKPrivateKabul120518: نی دیگه. پیش‌تولید نداریم. چرا که او قدر هزینه نداریم ما. مثال 50 فیصد یا 30 فیصد برای ما پیش‌پرداخت میتن از همو باز ما میتانیم کار کرده.

ک: چند سال است شرکت فعال است؟

HMKPrivateKabul120518: ده اینجه خو تقریبا 14 سال شد که فعال است. پیش از این ده پاکستان بودیم ما. از شرکت دیگه تقریبا 35 سال میشه. که ما همو اول کرزی که شد آمدیم اینجه، سامان مامان ره انتقال دادیم آمدیم اینجه.

ک: از همو اول!

HMKPrivateKabul120518: از همو اول ها.

ک: خودتان تأسیس کردید شرکت ره؟

HMKPrivateKabul120518: مه و یک، به حساب، شریک ما است.

ک: ده پاکستان تأسیس کردید و باز آوردید اینجه؟

HMKPrivateKabul120518: ها. پاکستان تأسیس کردیم، جور کردیم، بعضی ماشین های که کم داشتیم از چین و از ایران خواستیم. و جور کده رفتیم.

ک: سرمای اولیه پس کاملا خصوصی بود؟

HMKPrivateKabul120518: ها.

ک: قرضه بانک نگرفتید یا این که از دول کمک مالی گرفته باشید؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی. هیچ چیز نداریم.

ک: از ان.جی.او ها؟

HMKPrivateKabul120518: هیچ. از هیچ اورگانی ما [کمک نگرفته ایم]. کلا شخصی است.

ک: نهادی هم نیامد که به شما پیشنهاد کنه که ما به شما کمک مالی می کنیم؟

HMKPrivateKabul120518: والله تا به حال این طور نی. این طور نهادی نیامده. ما خو اصلا قصد داشتیم، ما گفتیم که به حساب کار خوده رُشد بتیم، چی کنیم. لیکن باز حالاتی ره که سیل می کنیم همو سرمایه ی که ما نداریم به همو خاطر کار ما یک کمی پس‌مان شده. دیگه مشکل اینجا است که جای شخصی از خود ما نیس. جای است کرایی. دیگه همین مشکلات هایی است اگه نی که میشد که ما خود ما تصمیم داشتیم همی سرمایه گذاری خوده زیاد کنیم و کار و بار ره رونق بدهیم نسبت به این بیشتر. حتا پیشرت که خود گفتی پیش‌ساخت ندارید. ما می خواستیم خود ما پیش‌ساخت کنیم اما مشکل این است که اقتصاد یاری نمی کنه.

ک: کدام سال ها کارتان خیلی رونق داشته ده همی 14 سال؟

HMKPrivateKabul120518: والله رونق دیگه از 19 تا 2002 ره. کارها خوب بود. بعد از 2002 آهسته آهسته کارها سقوط کرده رفت، تا همین حالی.

ک: یعنی قبلا که ده پاکستان بودید کار بیشتر رونق داشت؟

HMKPrivateKabul120518: ها. قبلا. پاکستان یک خوبی داشته که اونجه عایدش کم بود کار همین طور مسلسل و جاری روان بود. دیگه اینجه مشکل این است که بعضی وقت می بینی یک ماه کار می کنی باز سه ماه بیکار هستی. باز یک ماه کار می کنی و یک دو ماه بیکار هستی. اونجه که بود کار، چرا که عایدش کم بود، کار مسلسل روان بود. شب و روز کار داشتیم ما.

ک: اونجه پیش‌تولید هم می کردید؟

HMKPrivateKabul120518: ها اونجه پیش‌تولید هم داشتیم.

ک: ده اینجه دیگه بیشتر به اساس سفارش کار می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: ها. اونجه [پاکستان] خو به خاطر این پیش‌تولید داشتیم که حتا ما رسیدگی نمی توانستیم پشتِ. چرا که یک نفر می آمد یک دفعه سفارش می داد دو هزار سه هزار بالون. ما او ره جور می کردیم و تولید می کردیم. باز او خلاص نمیشد که دیگه سفارش می آمد. دیگه باز اونجه کارهای دیگری هم خُرد و ریزه ای بسیار بود، نسبت به اینجه. دیگه ده اینجه از 2002 به این طرف [تصحیح] از 2012 به این طرف کارها آهسته آهسته رو به سقوط است.

ک: خوب! یعنی از 2012 به این طرف کم شده رفته کارها؟

HMKPrivateKabul120518: کم شده ها.

ک: پیش از او خوب بود؟

HMKPrivateKabul120518: پیش از او خوب بود، ها.

ک: از نرخ یاد کردید که ده پاکستان کمتر بود و اینجه [...] یک بالون ره چند می فروشید حد اوسط؟

HMKPrivateKabul120518: یک بالون برای ما تمام میشه 2750 روپیه، ما سودا می کنیم 2800. 50 افغانی عاید داره.

ک: پس درآمد خیلی کلانی نداره؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی. همو یک 50 افغانی که داره او هم اگه بعضی کارگر اشتباه کنه کدام آیین اش ره خرابی کنه او طور فکر کو که از ده بالون ره فایده اش ره خرد.

ک: کارگرها، همین 25 کارگر چند معاش می گیرند؟

HMKPrivateKabul120518: کارگرها از ما مختلف است. کارگرهای که از ما است ماهانه ما آنها را تنخواه می دهیم از 8 هزار شروع است تا 15 هزار.

ک: بیشترشان چند معاش می گیرند؟

HMKPrivateKabul120518: کارگر تا کارگر است. از ما تقریبا یک 10 کارگر است که ما آنها ره 15 هزاری تنخواه میتیم. دیگه هایش که اس 8 هزار و 10 هزار 12 هزار و 13 هزار، مختلف است.

ک: نظر به وقتی اس که اینجه بوده اند یا این که نظر به مهارتشان اس؟

HMKPrivateKabul120518: نظر به مهارتشان هم اس که اونها چقدر، مثال، آنهایی که تنخواهشان بالا اس آنها وقت ره هم کتی ما زیاد سپری کرده اند. دیگه از نگاه ماشینری به حساب به هر چیز می فهمند هم. بعضی ها که است که تنخواهش کمتر اس آنها همو تجربه یشان هم کمتر اس نسبت به [کس های زیاد می گیرند]

ک: کارگرهای که می آیند بالمقطع کار می کنند، آنها چی؟

HMKPrivateKabul120518: آنها دیگه مربوط به کارگر اس. کارگر ره سیل کده که مثال کارگری که کارگر فنی باشه تا 500، 450 روزانه آنها ره تنخواهم میتیم.

ک: کارگری که با دست کار می کنه؟ آنه دیگه ده حد 6 هزار یا 7 هزار ده ماهی معاش می گیرند؟

HMKPrivateKabul120518: نی آنها همو اوسطش 300 ده روز شروع اس که ماه 9000. از 300 شروع اس تا همو 12 هزار.

ک: شرکت باز شامل کدام انجمنی شامل کدام اتحادیه ی تجاری یا شامل کدام نهادی اس که همراه دیگه شرکت ها شما روابط داشته باشید و بنشیند و بحث کنید ده براه ی بازار و [قطع]

HMKPrivateKabul120518: نی.

ک: فقط انفرادی کار می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: ها انفرادی.

ک: هیچ گونه ارتباطی ندارید با دیگر شرکت ها؟

HMKPrivateKabul120518: هیچ گونه ارتباطی نداریم.

ک: عضو انجمن صنایع هم نیسنتید؟

HMKPrivateKabul120518: هستیم شامل انجمن هستیم.

ک: این کدام تأثیر گذشته بالیا، ده هیچ مسأله ای برای شما کمک کرده؟ مثلا معلومات ارایه کرده باشه ده قسمت رُشد تکنولوژی شما ده قسمت رشد تجار شما یا بازارهای نو ره معرفی کرده باشه یا این که ده ادارات دولتی برای شما کمک کرده باشه؟

HMKPrivateKabul120518: ولی نی ده ادارات دولتی ما کدام مشکلی پیدا نکرده ایم که آنها کمک کرده باشند. نی ما این طور تقاضا کرده ایم از پیش شان. گر چه آنها بار بار برای ما گفته که هر مشکلی که باشه ده حسابّ دولت هر چی باشه برای ما اطلاع بدهید، انشاالله ما کتی تان کمک می کنیم. لیکن فضل خدا تا فعلا کدام مشکلی نداشته ایم که برای آنها پیشنهاد کرده باشیم یا تقاضای کدام کمک کرده باشیم. دیگه توکل به خدا همی رقم انفرادی کار کرده روان هستیم. پناه به خدا.

ک: عضویت هم که گرفتید آنها آمدند که بیایید عضو انجمن شوید یا [قطع]

HMKPrivateKabul120518: ها خودشان آمدند.

ک: این بخش سوال بیشتر بالای شما به عنوان مؤلد است. ده وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟ از کار که رخصت شدید؟ بعد از تمام شدن کار چی می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: بعد از هشت ساعت کار ره تعطیل می کنیم میرویم طرف خانه.

ک: به خاطر وقت گذرانی چی می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: همراه فامیل می باشیم. وقتِ چکر کی می باشه [خنده]

ک: برای تفریح چی می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: واقعیتش که باشه فراغت خو نداریم. ما همینجه صبح برو شام بیا. بعضی روزها جمعه ای که می باشه همین یک مورده و زنده و یک مریض پرسی و یگان خانه ی دوست و اقارب می رویم. دیگه این طور [قطع]

ک: مصروفیت دیگری ندارید؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی!

ک: ده وضع زندگی تان تغییری آمده؟ قبلا مثلا میرفتید به یک کافی خانه ده پل چرخی اما حالی میروید به شهر نو؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی! اصلا همی وطن ایجاب نمی کنه. به خاطری که همو به حاسب همو مسلمانی و به حساب بشردوستی و هر چیزی که فکر کنیم ما و شما، به خاطری که مردم هایی ما در اینجه داریم که آنها نان خوردن خوده ندارند. اگه ما او پیسه ره که برویم بیجا مصرف کنیم، همو ره همراه یک دوست و اقارب ضعیف خود کمک کنیم، بهتر نیست از این کده!

ک: یک فامیل دارید یا دو فامیل؟

HMKPrivateKabul120518: ما شخصا خودم یک فامیل دارم.

ک: منظورم این که یک زن دارید یا دو؟

HMKPrivateKabul120518: ها یک زن دارم [لبخند]

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

HMKPrivateKabul120518: ها

ک: چی نوع کتاب هایی؟

HMKPrivateKabul120518: همین کتاب های تاریخ. کتاب های است که به حساب، کتاب های دینی. کتاب های، بعضی مجله ها ره می خوانم.

ک: ده اجتماعی که زندگی می کنید یکی تصور مردم اس یکی برداشت شما اس. از لحاظ مالی خوده به حیث پولدار و ثروتمند حساب می کنید [و متباقی سوال]

HMKPrivateKabul120518: مه خودم هستم و دو پسرم اس، یکیش عروسی کرده و یکیش تا هنوز عروسی نکرده، هر سه ما ده همی شرکت مصروف هستیم. ماهانه خداوند نارضا نشه شکر است همیقه میشه که مصارف همی سه نفر ره پوره می کنیم.

ک: همین سه فامیل ره؟

HMKPrivateKabul120518: ها، سه فامیل.

ک: برداشت مردم باز چیست از شما؟

HMKPrivateKabul120518: حالی ذهنیت مردم ره آدم چیزی گفته نمی توانه. شاید مردم دیگه فکرهایی کنند. شاید فکر کنند، کسی که ده رأس کتی ما قرار داره، برای آنها کل واقعیت معلوم اس. لیکن کسی که ده رأس قرار نداره، مردم ما و شما خو یک فکری دارند. فکر می کنند که این شرکت داره این کلش شاید روزانه چقدر عاید داشته باشه. لیکن این مصارف و خرجه و دیگه و دیگه ی این ره که ما می سنجیم، حتا همین یک، بعضی وقت ها مه به کارگرها میگم که ما همین قدر همی دو شریک ها هستیم و سه تا بچه ی مه است که اینجه کار می کنیم، ما همی کل ما که به هر اندازه ای هر شاگرد که سنجش کنی بدون سرمایه ای که ما اینجه سرمایه گذاری کرده ایم، برای فی نفر همین قدر هم که برسه ما شکر می کشیم.

ک: تحصیلات

HMKPrivateKabul120518: تا صنف دوازده درس خوانده ام.

ک: فعلا ده کدام نقطه شهر زندگی می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: رحمن مینه. کارته نو.

ک: قبلا هم ده رحمن مینه زندگی می کردید؟

HMKPrivateKabul120518: قبلا ده دارلامان بودیم. اونجه دیگه خانه ی پدری ده دارلامان بود بعد از او باز مهاجرت که کردیم رفتیم پاکستان همو [...] ما هستیم سه برادرها. باز از این طرف یک فامیل بسیار خُرد بودیم [که رفتیم پاکستان]. مشترک زندگی می کردیم. وقتی که از آنجا آمدیم تقریبا 17، 18 سال ره اونجه تیر کردیم ده پاکستان. نام خدا فامیل کلان شد و مشترک نمیشد و هر کدام بیادرها کلشان جدا جدا شده رفت و هر کی برای خود خانه جور کرد.

ک: اطفال به مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

HMKPrivateKabul120518: یک چهارتایش که اس ده مکتب خصوصی میرن. دیگه هایش که اس ده مکتب دولتی میرن.

ک: چند تای متباقی دولتی میرن؟

HMKPrivateKabul120518: چهارتایش ده مکتب دولتی میرن. چهارتایش به شمول نواسته هایم ده مکتب خصوصی میرن. آنها خُرد هستند دیگه. ها.

ک: روابط شخصی که برای ایجاد شرکت به درد شما خورد کی ها بود؟ اعضای فامیل، دوست ها و رفیق ها، اعضای جامعه، اعضای منطقه و محل زندگی و قوم؟

HMKPrivateKabul120518: والله بعضی دوست ها همی کمک ره کردند و باز شریک ما که گفتم همراه ما است، همی شریک ما بسیار یک آدم خوب اس. یک آدم نیک اس. دیگه ما که شرکت ره تأسیس می کردیم اول بسیار یک از سرمایه ی محدود شروع کردیم. تا بالآخره آهسته آهسته ماشین و سامان و وسایل گرفتیم. همو برکت دعای دوست ها و همی تشویق دوست ها بود که تا همین حد رسیدیم انشاالله.

ک: به خاطر پیشبرد صنعت تان شما مثلا بازاریابی تان به چی شکل اس؟ نفرهایی ره می شناسید قبلا که می آیند می خرند و سفارش می دهند؟ یعنی مشترهایتان قبلا شناخته شده است؟

HMKPrivateKabul120518: ها مشتری ها شناخته شده اس. آنها قبلا که اگر ده پاکستان هم کتی ما کار و بار می کردند، آنها هم بودند. آنها هم شناخته هستند. باز ده اینجه که آمدند بعضی دوست هایی اضافه شدند. همونها هم هستند. مشتری هایی هستند که از ما کلش شناخته شده استند.

ک: مشتری های دوامدار هستند پس؟

HMKPrivateKabul120518: دوامدار هستند.

ک: حج هم رفته اید حاجی صاحب؟

HMKPrivateKabul120518: اجان ها!

ک: چند بار رفته اید؟

HMKPrivateKabul120518: یک دفعه.

ک: چند باب خانه دارید؟

HMKPrivateKabul120518: یک خانه دارم.

ک: ده بیرون از افغانستان هم خانه دارید؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی!

ک: ده این فکر هم هستید که یک خانه داشته باشید ده بیرون از کشور؟ اگر ها، کدام کشور ره ترجیح میدهید؟

HMKPrivateKabul120518: والله ما خو شخصا همین خاطره ی [...] همو خوی و خواص خودم همین است که ده همی وطن خود آباد باشیم، همین وطن خود ما جور شوه. وطن که است یک لذت خاص داره. طرف شرایط که [آدم] سیل می کنه، شرایط آدمه مجبور میسازه که بیرون بروه.

ک: شرایط امنیتی بالای تجارت شما تا چه حد تأثیرگذار بوده؟

HMKPrivateKabul120518: والله تأثیرگذاریش ره ما و شما به چشم سر می بینیم. همی هر انفجاری که میشه کار سقوط می کنه. کار گم شده میره.

ک: پس تأثیر مستقیم داره؟

HMKPrivateKabul120518: کاملا تأثیر مستقیم داره. حالی ما همی شاید خودت هم ده همی چی باشی، چند انتحاری که شد همی، اینه ده یا 15 روزی که شد، از ماه حمل به این طرف انتحاری های که رد ده رد شده میره، پیش از او زمستان بود باز مه کارها یک کم و بیش خوب بود. مگم بعد از این که زمستان شد [تابستان؟] کارها بیخی سقوط کرده. کارها بیخی نورمال شده، کم شده.

ک: دوست هایتان چی رقم انسان هایی هستند؟ مثلا همراه چی رقم انسان هایی می نشینید و می خیزید و رفیق هایتان چی رقم [...] یک تصویری بدهید از آنها. کس های که مثل زنگ می زنید که فلانی بیا که بنشینیم یک جای.

HMKPrivateKabul120518: کلش مردم های نیک اس. مردم های خوب اس.

ک: از لحاظ مالی ده چی حد استند؟

HMKPrivateKabul120518: حد اوسط. گذاره حال هستند دیگه! دوست هایی هستند که مثل خود ما کارگر هستند. دوست هایی هستند که آنها سرمایه گذار هم هستند. دوست هایی هستند که آنها همین طور اوسط روان هستند.

ک: خودتانه مثلا چی رقم تعریف می کنید؟ به عنوان کارگر، به عنوان صنعتکار، به عنوان سرمایه گذار، تاجر؟ چی رقم معرفی می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: مه به عنوان صنعتکار. جان ها!

ک: ده شرکت تصمیم گیری بیشتر به عهده ی شما است؟

HMKPrivateKabul120518: بله ها.

ک: تصمیم های کلان، متمرکز است یا غیر متمرکز – ماشین می خرید یا می فروشید، مثلا. ده این طور مسایل با کارگرها هم (25 عضو) می نشنید مذاکره می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: ها.

ک: نظر آنها؟

HMKPrivateKabul120518: نظر آنها ره گرفته اگه وسایل می خریم هم نظر آنها ره گرفته اگه وسایل ره سودا می کنیم یا به فروش میرسانیم نظر آنها ره گرفته که آیا ما اگه این وسایل ره سودا کنیم دست ما بند نمیشه. یا مثال این وسایل ره ما و شما می خریم چقدر به درد بخور ما و شما اس؟ ده این شرایط فعلی به درد می خوره نمی خوره؟ این تصامیم ره همراه کارگرها می گیریم.

ک: جلسات منظم دارید؟ یا این که وقتی که نیاز شوه می نشینید؟

HMKPrivateKabul120518: نی وقتی که نیاز شوه باز دیگه یک روز دو روز مشوره می کنیم همراهشان باز، چرت و فکره زده، تصمیم می گیریم.

ک: تا چی حده نظریات آنها الزامی است؟ یعنی، فقط مشوره می دهند و تصمیم نهایی ده دست شما است؟

HMKPrivateKabul120518: بله ها! یک مشوره از آنها می گیریم، چرا! هر وقتی که نیاز باشه. ما این طور مسلسل، روزانه، ماهانه و سالانه ماشین یا به فروش نمی رسانیم یا مثال وارد نمی کنیم [که مشوره بگیریم]. دیگه بعضی وقت که ضرورت میشه به همو وقت، چیزی که ضرورت بود به همو اساس [نشست می گیریم]

ک: کارگرهای که اینجه هستند اینها باز جزء کدام اتحادیه ای هستند؟ اتحادیه ی کارگری یا شاگردها کدام تشکلی داشته باشند از حقوق آنها دفاع کنه؟

HMKPrivateKabul120518: ها این خو، شاگردها بخش همین کارگرها هستند.

ک: دارند؟

HMKPrivateKabul120518: دارند، اتحادیه دارند. ما ده همی شرکت خود یک سرکارگر داریم دیگه از دیگرها، از پارک های صنعتی و اینها ما خبر نداریم. ما ده باره کارگرهای که از خود ما اس [صحبت می کنیم]، یک کلان دارند، یک اتحادیه دارند. خدای ناخواسته یک مشکلی می آیه یک چیزی می آیه از [قطع]

ک: کارگرها اتحادیه دارند پس؟

HMKPrivateKabul120518: ها!

ک: ده قسمت خدماتی غیر معاش به کارگرها چی خدماتی ارایه میشه؟ به غیر از معاش و نان.

HMKPrivateKabul120518: نی دیگه. این طور خدمات نیس.

ک: سه وقت نان و این چیزها؟

HMKPrivateKabul120518: است. کس های که 24 ساعت اس کتی ما، یک 12، 13 نفر هستند که آنها شو پای [شب پای] هستند. خانه هایشان دور اس، این جمعه، دیگه جمعه میرن. آنها ره سه وقت نان، چای، اتاق و همه چیزه برایشان میتیم.

ک: چه تعداد کارگر اس به این شکل؟

HMKPrivateKabul120518: 12 نفر اس.

ک: دیگه شرکت هایی هم اس که عین صنعت شما ره پیش ببرند؟

HMKPrivateKabul120518: ها هستن.

ک: با آنها مشوره می گیرید وقت و ناوقت؟ می نشینید؟

HMKPrivateKabul120518: نی والله. نرفتیم.

ک: هیچ ارتباطی ندارید؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی!

ک: ده قسمت مسایل مالی، شرکت مفاد داشته مثلا 5 افغانی، همراه اعضای شرکت داخل مذاکره می شوید که این 5 افغانی ده کجا مصرف شوه، چی تصمیم بگیریم و چی کنیم همراهِ این 5 افغانی؟ یا این که تصمیم فقط به دست شما است؟

HMKPrivateKabul120518: این طور اس که همو مفادی که که میشه ما سالانه حساب می کنیم که مثال یک لک یا دو لک یا 5 لک ما مفاد کرده ایم. باز همو ره اگه چیزی ضرورت به حساب ده شرکت میباشه، همو ضرورت شرکت ره رفع می کنیم. اگه نمی باشه، کدام وسایل دیگه ضرورت می باشه، دو او مصرف می کنیم. باز همراه همو شریک خود می نشینیم و مصلحت می کنیم.

ک: بیشتر همراه شریک تان مشوره می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: ها!

ک: ده قسمت بازاریابی خو شاگردها نقش ندارند؟

HMKPrivateKabul120518: نی!

ک: ده قسمت دسترسی به کمک های دولت خو تلاشی نکرده اید یا این که آنها گاهی آمده باشند پیشنهاد کمک کرده باشند؟

HMKPrivateKabul120518: نی والله. نی آنها آمده اند و نی ما این طور تپ و تلاش کرده ایم برای دولت مراجمعه کره باشیم. نی دولت آمده از ما پرسان کرده. اول مشکل کلان ما همین بی‌زمینی اس. زمین نداریم ما. جای نداریم.

ک: این هم جزء پارک های صنعتی میشه؟

HMKPrivateKabul120518: ها جزء پارک های صنعتی اس.

ک: این ره شما کرایه می دهید؟

HMKPrivateKabul120518: ها کرایه می دهیم.

ک: چند کرایه می دهید؟

HMKPrivateKabul120518: این ره یک هزار روپیه کرایه می دهیم.

ک: یک هزار دالر؟

HMKPrivateKabul120518: بله یک هزار دالر. ماهانه.

ک: ده این حد هم دولت کمک نکرده که شما مؤلد هستید که [قطع]

HMKPrivateKabul120518: نی نی نی! دولت از ما پرسان نکرده که شما همینجه چی هستید، چی می کنید. فقط سال ده سال که میرویم جوازه نو می کنیم، مالیه ره تحویل می کنیم. دیگه حتا یک نفر هم نیامده برای ثواب هم پرسان نکده که او بیادر ده همینجه شما هم هستید [موجودیت دارید]. اصلا همین صنعتکار که است ستون فقرات یک ملک اس. لیکن یک دولت یک جزوی پرسان هم نکرده که شما ده همینجه کدام مشکلی دارین، کدام، به کدام چیزی ضرورت دارین، هیچ! این طور پرسانی از ما نشده.

ک: ده قسمت تهیه خدمات، فرض کنیم نمایشگاهی دایر کرده باشند یا اینکه کمک کرده باشند که شما بروید به بازارها دیگری معرفی شوید؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی.

ک: برق و سهولت های دیگر چی؟

HMKPrivateKabul120518: نی دیگه. برق اس دیگه. ما پارک های صنعتی هستیم از نگاه برقش باز خوب اس یک اندازه. خو همو برقی اس که برق سوالی اس دیگه. اگه دلش ایلا می کنه، پایه ره می زنه، گاهی یک چیز می کنه. این مشکلات ها اس ده افغانستان.

ک: ماشین ها همه اش برقی اس؟

HMKPrivateKabul120518: ماشین ها همه اش برقی اس.

ک: که اگر برق نباشه نمی توانید تولید کنید!

HMKPrivateKabul120518: نی. برق نباشه باز جنراتور داریم. جنراتور کار می گیریم.

ک: همراه مردم محل هم رابطه دارید؟ ده کارهای عام المنفعه شرکت سهم می گیره از لحاظ مالی؟

HMKPrivateKabul120518: والله کتی مردم رابطه داریم خو منتها این طور نشده که مردم گفته باشند که بیایین ده این یا آن مصرف کنید. خو همو وسع و توان از هر چی که از ما رسیده هر چی که ضرورت بوده یا ده اینجه یا ده کدام محله ی دیگه، یا ده جای بود و باشی که ما می کنیم. وسع و توان چیزی رسیده کمک کرده ام.

ک: یعنی اختیاری بوده!

HMKPrivateKabul120518: ها!

ک: این طور وقتی هم شده که احساس کرده باشید که شرکت دیگه همینجه آخر خط رسیده دیگه ما باید دروازه اش ره بسته کنیم برای این که کار دیگه کاملا سقوط کرده و هیچ گونه امیدواری برای ادامه ی کار نیست؟

HMKPrivateKabul120518: والله برای فعلا همین دو، سه سالی که شد گفتنی یگان تا ما ره به همی وادار ساخته که اگر یک سال و دو سال دیگه هم همی رقم وضعیت جریان داشته باشه، مجبور هستیم دروازه اش ره بسته کنیم.

ک: یعنی همین احساس ایجاد شده برایتان؟

HMKPrivateKabul120518: ها دیگه. چرا به خاطر این که ما ماهانه، گفتم همینجه کتی کرایه ی زمین، مصارف کاگرها، تقریبا ما 5، 5.5 لک روپیه افغانی ما مصرف داریم. ما که سنجش می کنیم همو پنج و نیم لک افغانی ره هم ده همی وقت ها نمی توانیم چی کنیم، به دست بیاوریم. دیگه ده این صورتی که رسیده باشه دیگه مجبور که آدم تصمیم بگیره که [قطع]

ک: چی باعث خواهد شد که شما شرکت را با وجود همین شرایط هنوز هم اداهم بدهید؟

HMKPrivateKabul120518: والله باعث همین است و کوشش ما همین اس که همی تولدی وطن و همی صنعت وطن خود ما رشد کرده بره. ما خو کوشش ده همی داریم که همی چهار نفر یا ده نفر یا بیست نفری که اس ما [...] شکرانه گی خدا یک کمی یا زیاد میتانیم که مثال تا ایران یا پاکستان یا مثال تا یک ملک دیگه خوده بکشیم. لیکن مشکل کلان این اس که ما چهار نفر یا بیست نفر یا 25 نفر کارگری که همراه ما همینجه کار می کنه زحمت می کشه، به خاطر همینها، که ما اگه به این سطح رسیدیم که یک چار قران [مصرف کنیم] و به یک جایی خوده بکشیم. این مسکین های بیچاره که اینجه مانده، اینها چی رقم کنند؟! یگانه مشکلی اس که ما شرکت ره تا به حال به پای ایستاد کرده ایم به خاطری همی که یک چهار نفر یا بیست نفری که همراه ما کار می کنند همین مسکین ها همراه ما یک چاره و پرده یشان شوه. حتا بعضی وقت ها گفتم که فکر کردیم که همی خرجی همی بچه ها برآیه، از فایده اش ما ره تیر! همو پیسه ی یک کارگر و صرف خرج فامیل برآیه. همو خرج فامیل برآیه دیگه از فایده ی زیادش ما ره تیر. مقصد همی کارگرهای که همینجه هستند همینها مشغول کار باشند.

ک: ده کدام شهر بیشتر بازاریابی و فروش تولیدتان صورت می گیره؟

HMKPrivateKabul120518: والله تولید هر طرف میره از ما. ده هر ولایت میره.

ک: بیشترش ده کدام شهر اس؟

HMKPrivateKabul120518: بیشتر دیگه ده همی اطراف ها، مثال طرف مزار میره، طرف قندهار میره، طرف جلال آباد میره. ده هر ولایت همو مشتری های ما که اس، جایی که آنها چی دارند، همان طرف ها روان می کنند.

ک: آخرین بار ده کدام سال شرکت ره توسعه دادید؟ یعنی ماشین خریدید؟ دیگه کارگر استخدام کردید؟

HMKPrivateKabul120518: آخرین بار ده تقریبا ده 2008 بود که بعضی ماشین های که به ما ضرورت بود به خاطر هنگرسازی و این چیزها، ما گرفتیم.

ک: ده او زمان چی تعدا کارگر داشتید؟

HMKPrivateKabul120518: او غایط بود کارگرهای ما تقریبا به 70 و 75 نفر میرسید.

ک: کارگرهای دایمی تان؟

HMKPrivateKabul120518: ها.

ک: 2008؟

HMKPrivateKabul120518: ها.

ک: دلیلی که توسعه ندادین ده این سال های آخر چی بوده؟

HMKPrivateKabul120518: دلیلیش این بود که کارها روز به روز آهسته آهسته کم شده رفت. حالی یک تقاضای بازار که یک چیزی زیاد باشه، آدم کوشش می کنه که یک چیزی قویتر یا چی جور کنه. وقتی که بازار ضعیف شد، یک چیز فروشات نبود، دیگه مجبور هستی که ایستاد کنی.

ک: مواد خام تان از کجا می آید؟

HMKPrivateKabul120518: مواد خام زیادتر میا آیه از قزاقستان، روسیه، ایران [قطع]

ک: به شمول پکجنگ و به شمول رنگ و همه چیزها؟

HMKPrivateKabul120518: رنگ و این چیزهایش پاکستانی اس. دیگه به حساب آیین باب یا ستیل بابش از روسیه و قزاقستان و ایران می آیه. دیگه باز وال هایش که اس، وال های ایرانی است. از ایرانی استفاده می کنیم، ایرانی و چینایی و پاکستانی.

ک: ده قسمت تولید از تولیدات داخلی تا چی حد استفاده می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: مواد خام دیگه از تولیدات داخلی مواد خام هیچ چیزی نداریم ما. مواد خام ما که اس کلا از خارج اس. فقط صرف بسته بندی اینجه میشه و جور میشه و آماده میشه، ولدنگ میشه.

ک: شرکت های دیگری نیامده اند که گفته باشند که ما بدیل پرزه ره داریم [تولید می کنیم]

HMKPrivateKabul120518: نی او چیزهایی نیس که ده اینجه ما داشته باشیم. چرا که حالی ما کارخانه های نداریم که [...] حالی از ما زیادترش ستیل ضرورت اس. ستیل بیخی ده افغانستان تولید نداریم ما. دیگه وال اس، وال همچنان ده اینجه تولید نمیشه. از چین می آیه، از ایران می آیه، از پاکستان می آیه. دیگه این چیزهایی است که تولیدات وطنی خود ما بسیار کم اس.

ک: ده جمع کارگرها کسی خارجی هم اس یا کلگی از افغانستان هستند؟

HMKPrivateKabul120518: کلگی افغانی هستند.

ک: کارگرها بیشتر از کدام طبقه: کس های از محل هستند، همولایتی تان، خویش و اقارب، [قطع]

HMKPrivateKabul120518: والله مکس اس از ما [خنده]. از ازبک گرفته تا اوغان هزاره پشتون [قطع]

ک: از هر جای اس!

HMKPrivateKabul120518: از هر جای اس. ها.

ک: اینها ره چی رقم شناسایی کردید و فهمیدید در باره یشان؟

HMKPrivateKabul120518: اینها کارگرهای بودند که آمدند اینجه به حساب کارگری همراه ما کار کردند و همینجه ماندند. همی حالی ما تقریبا ده حدود 8 نفر یا 7 نفر کارگرهای هزارگی داریم، 2، 3 نفر ازبک داریم.

ک: اینها آمدند و دروازه ره تک تک کردند که کار [قطع]

HMKPrivateKabul120518: ها.

ک: مستقیم آمدند!

HMKPrivateKabul120518: ها. مستقیم آمدند و ده کار شروع کردند. و تقریبا از هر کدامشان ده حدود هشت سال، ده سال میشه که همینجه کار می کنند.

ک: ده همین اطراف زندگی می کنند؟

HMKPrivateKabul120518: مختلف اس دیگه. بعضی اش ده اطراف زندگی می کنن. بعضی اش ده همی شاهراه زندگی می کنن. زیادترش ده ولایت ها هستند.

ک: ارزش سرمایه گذاری غیر قابل انتقال شما که همینجه تعمیر ساختید و چیزهای که قابل انتقال نیستند، چند افغانی اس؟

HMKPrivateKabul120518: دیگه همو یک خانه اس و خلص!

ک: نی نی. ارزش کارخانه ره میگم. سرمایه گذاری ده خود شرکت ره میگم. وسایل و اسباب اس که قابل انتقال نباشه!

HMKPrivateKabul120518: او ده حدودی یک، یک و نیم لک اس.

ک: یک، یک و نیم لک دالر.

HMKPrivateKabul120518: ها.

ک: یعنی به همین قصد این یک و نیم لک دالر ره سرمایه گذاری کرده اید [قطع]؟

HMKPrivateKabul120518: ها دیگه. قابل انتقال نیس دیگه. مثال اینی کانکریت شده و چت شد. اینها خو پس انتقال نمیشه.

ک: ماشین های که دارید به درد کدام تولید دیگری هم می خوره یا [قطع]

HMKPrivateKabul120518: ماشین های ما که اس به درد هر صنعتی می خوره. ماشین های ما که اس ده هر صنعت ده هر بخشی که پرتی [بیاندازی] مثلا ده کار موتر ده کار فلزات، اورسی [پنجره] و دروازه و کلکین و ده کار هنگرسازی و ده هر کاری که بگویی [قطع]

ک: تصمیم گرفته اید که ده یک کار دیگری مشغول شوید به عضو تولید بالون؟

HMKPrivateKabul120518: والله دیگه ببینیم دیگه تصمیم داریم ما هم که همی اشترنگ [steering wheel] ره تغییر بتیم به یک طرف دیگه، به یک مسیر دیگه.

ک: تا به حال خو نکرده اید؟

HMKPrivateKabul120518: نی تا به حال نکرده ایم.

ک: از رقیب های بیرونی چی؟ کدام مشکلی داشته اید؟

HMKPrivateKabul120518: والله یک مشکل ما این اس که حالی پاکستان که اس به بالون هایی ره چی می کنن به خاطر همو بازار ما هم خراب اس. آنها بالون هایی هستند که زخامت بسیار نازک اس. ده بینش آهنی بسیار، همی حالی اگه مه برایتان نشان بتم، شاید خودت هم این ره فکر نکنی [که چنین چیز ممکن باشه]. گوتکی چوبه پتی می زنه، ولدنگ می کنه به خاطر وزنش. چرا که این بالون ها به اساس وزن سودا میشه. اونها ره به حساب وزنشه 40 یا 42 کیلو برابر می کنند و میگن که این آیینش دبل اس. همی زیاتر انفجارها و زیادتر همی حادثه های که رخ میته کلش تأثیر همی اس که اینها آیینش زخامتش کم اس. آنها جور می کنن روان می کنند اینجه، می کفه یا انفجار می کنه.

ک: ده بازار ده قسمت فروشات شما کدام تأثیری داره؟

HMKPrivateKabul120518: فروشات به این خاطر تأثیر دارند که اینها هستند، گفتم همی آیین که اس به حساب وزن می آیه. وزن آنها کم اس. گوتکی چوب به حساب 5 یا 6 کیلو گوتکه چوبه می زنن آنها. گوتکی چوب 5 کیلو، 6 کیلو، کیلویی 60 روپیه که حساب کنی، 300 روپیه میشه. 300 روپیه ده یک بالون بسیار پیسه اس. دیگه باز ده اونجه که اس او مردم نسبت به افغانستان [بهتر اس] چرا که هر چیز آنها دارند. تولید هم دارند، مواد خام ره هم دارند، همه چیز دارند. ما مشکل ده اینجه اس که یکی خو مواد خام از خود ما نیس. دیگه اونها این رقم [جعل می کنن]. بازی تجارهای ما اس که خداوند هدایت کنی شان از همونجه چشم پت می گیرند و می آورند، اینجه سودا می کنند سر مردم. دیگه که، حالی حکومت کوشش کنه که صنعت کار خوده رشد بته بعد از او باز یک چیزی میشه. هم صنعتکار دل می کنه ده یک کار یک سرمایه گذاری گزاف کنه هم همو کارگرها دلزده نمیشن.

ک: کسی ده بازار تجربه ای دارید که گفته باشند که ما تولید داخلی ره بالای اعتماد نداریم و تولید بیرونی ره می خریم؟

HMKPrivateKabul120518: نی والله حالی فضل خداوند بعضی مردم هایی که استفاده کرده اند از تولیدات داخلی، رضایت بسیار [نشان داده اند]. تقریبا 90 فیصد رضایت دارند تولید داخلی ره استفاده کنند. چرا که تولید داخلی هم کیفیتش خوب اس هم موادش خوب اس و هم چیزی است که دیده اس [دیده شده اس]. دیگه مردم هایی استند که برای فعلا هم استفاده می کنند که کوشش همی ره دارند که تولید وطن باشه. حتا بعضی دوایر دولتی که اس همین کوشش ره می کنن که از هر نگاه چیز [...] یک وقت یک قرارداد بود مه یک وقت رفتیم چپرکت ها جور میشد ده ریاست امنیت ملی. آنها گفتند که همه چیز باید از خود داخل افغانستان جور شوه. تولید افغانی باشه. دیگه باز هم کوشش می کنه، توکل به خدا! همین مردم های ما، دولت هم، یک تولیدی باشه که تولید داخلی باشه [ترجیح می دهند]. خو تولید داخلی ره رشد میتن که امسال از خارج همو جنسی که ده اینجه تولید مشه، که دم او ره بگیره یا سر او تکسش ره بالا کنه، یا یک چیزی مالیه ره بالا کنه، باز میتانه داخلی ها همراه آنها رقابت کنه.

ک: ده این قسمت شما همراه انجمن صنایع داخلی مذاکره شده اید که با دولت گپ بزنند که ده عین تولید [قطع]

HMKPrivateKabul120518: والله این ره چندین بار ما گفته ایم، آنها [انجمن صنایع] هم گفته اند که ما کوشش کرده ایم، کتی شان گپ زده ایم. خو ده این دولت بسیار چیزها غیرقانونی می آیه. دیگه ده همو حساب یک ذره مردم پریشان اس.

ک: قرض می فروشید یا کاملا نقد؟ وقتی شده که اوگرایی فروخته باشید؟

HMKPrivateKabul120518: خُب بازار اس. طبعا میشه. مشتری هایی هستند که آنها می آیند پیش‌پرداخت میتن. بعضی وقت ها میشه که پیسه می مانه، یک صد بالون یا دو صد بالون ره که بردند و باز دفعه ی دوم که مراجعه کردند، او صد بالون یا دو صد بالون ره پیسه میتن. باز دیگرش ره می برن.

ک: معمولا چی رقم اس؟

HMKPrivateKabul120518: معمولا زیادتر کارش نقد اس.

ک: بازاریابی تان مستقیم رو در رو است؟

[مزاحمت]

HMKPrivateKabul120518: والله این طور اس که بازاریابی مختلف بود. بعضی مشتری های که مثال از ما مال می بردند آنها خودشان مستقیم می آمدند. بعضی دوست های دیگری که ضرورت داشتند آنها ره هم چی می کردند که اینی جای [ضرورت دارند]

ک: منظورم این بود که شما اعلان نشر کردید یا وبسایت داشتید یا ؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی! هیچ چیز نداشتیم ما.

ک: فقط مستقیم تماس فردی بوده؟

HMKPrivateKabul120518: ها مستقیم.

ک: نوآوری چی، ده شرکت نوآوری هم میشه؟

HMKPrivateKabul120518: والله نوآوری دیگه ده این شرایط مشکل اس. مه پیشتر برایتان گفتم که نوآوری ده وقتی میشه که آدم یک چیزی مثال تولید کنه و فروش او زیاد باشه کوشش این ره می کنه که از او کرده خوبتر یا یک چیزی جدیدتر جور کنه! لیکن که طلا در اینجه تولید کنی که سودا نباشه و فروش نباشه، چی کنیش!؟

ک: ده روزی چند ساعت ره وقف کار می کنید؟

HMKPrivateKabul120518: ما ده روزی این طور فکر کو که 8 ساعت تا 10 ساعت کار می کنیم.

ک: از ساعت چند تا چند؟

HMKPrivateKabul120518: از شش شروع می کنیم تا شش شامه. ده او یک ساعت و دو ساعتی که وقفه ی نماز و اینها که می آیه، ده ساعت تیم کاری ما اس [میشه]

ک: بعد از این که [...] این طور هم شده که ده جریان همین چند سالی که ده افغانستان بوده اید از پول این شرکت یک سرمایه گذاری دیگری کرده باشید؟

HMKPrivateKabul120518: نی نی! فقط ده همی مصروف هستیم.

ک: یک سوال آخر. وقتی که آمدید افغانستان دلیلی چی بود؟

HMKPrivateKabul120518: دلیل این بود که ما کوشش این ره داشتیم که وطن خود ما است، چرا که ده اونجه [پاکستان] بسیار وقته تیر کردیم ما نی چیزی ره جور کردیم، نی خانه ای خریدیم، نی کدام جایدادی خریدیم. ما منتظر این بودیم که هر لحظه خبر خوش بیایه که وطن خود ما آرامی شد که برویم به وطن خود. دیگه همین دلیلش بود که به حساب همو گفتن اوغان ها یک مهر و محبتی که داشتیم به وطن آمدیم به وطن.

ک: بیشتر خریدارهایتان کی بود ده همو سال های که تازه برگشتید؟

HMKPrivateKabul120518: بیشتر خریدارها خود همی افغانی های ما بود.

ک: دیگر شرکت های کلان کلان [...] چون در او زمان پروژه گرفتن زیاد بود. این طور کس های هم می آمدند؟ شرکت های قراردادی که بیایند همراه شما قرارداد کنند؟

HMKPrivateKabul120518: ها زیادتر شرکت ها بود.

ک: انگیزه ی شما چی بود که همی شرکت ره ایجاد کنید؟ یک نفر مثلا یک صبح میخیزه و ده این فکر می افته که می خواهه یک شرکت جور کنه. همو [قطع]

HMKPrivateKabul120518: انگیزه ی ما این بود که همینجه بچه های همی وطن که اس یا همی افراد همی جامعه که اس چرا که بسیار جنگدیده و پریشان و بسیار سرگردان بوده اند ما همی ره چی کردمی که ده وطن خود برویم و همین کس های هستند که بسیار بدبختی ره دیده اند و بسیار مشکلات ها ره دیده اند. که از درس و از همه چیز دور مانده اند، حد اقل صاحب یک کسب و کمال شوند.

ک: این خو انگیزه ی اخلاقی اش شد. طبعا همگی این صله ی رحم ره داریم نسبت به [وطن]. ولی انگیزه ی مالی که این شرکت ره ایجاد کردید چی بود؟ چرا به عنوان [...] مثلا ده راه های دیگری هم میشد که مردم ره کمک کنید. چرا تولید ره انتخاب کردید؟

HMKPrivateKabul120518: تولید به خاطری این انتخاب کردیم که مه گفتم که همی تجارهای ما اس و همی بعضی دوست های اس که میرفتن از خارج یک چیزه وارد می کردند ما گفتیم که ده همی وطن خود ما تولید شوه هم به وطن یک، به دولت ما یک سرمایه جور میشه و هم به خود ما یک سرمایه جور میشه.

ک: چرا سال 2002، چرا قبل از او نیامدید؟

HMKPrivateKabul120518: قبل از او خو اینجه شرایط جنگی بود. حالات خراب بود. به خودتان بهتر معلوم است که حالات، حتا مردم اینجه صحیح زندگی کده نمیتانست. شرایط بسیار مشکل بود. وقتی که حکومت کرزی شد، زمینه برای این مساعد شد که مردم آمدند به افغانستان سلو سلو. تا کار ره شروع کردند.

ک: تشکر!

HMKPrivateKabul120518: زنده باشید!